

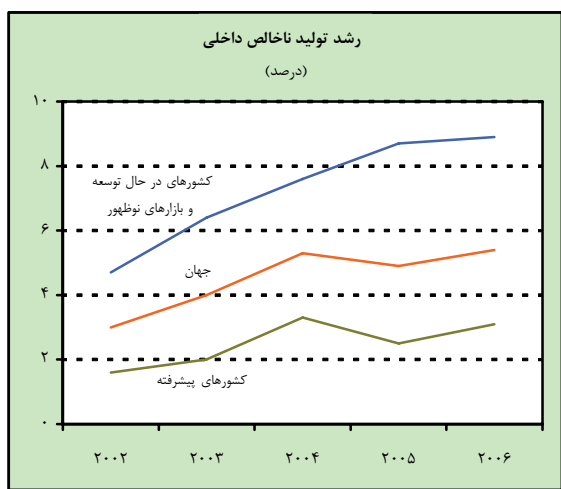
قسمت اول

گزارش وضع اقتصادی کشور

فصل اول

خلاصه‌ای از وضع اقتصادی جهان

۱-۱- شاخص‌های عمده اقتصادی



در سال ۲۰۰۶، اقتصاد جهان با رشد قابل توجه ۵/۴ درصد همراه بود که در مقایسه با رشد آن در سال قبل به میزان ۴/۹ درصد، در سطح بالاتری قرار گرفت. در سال مورد گزارش، رشد اقتصادی در میان مناطق مختلف جهان متوازن شد و به رغم محدود شدن رشد اقتصادی ایالات متحده، رشد اقتصادی منطقه یورو و ژاپن مناسب بود. رشد اقتصادی ایالات متحده از نیمه دوم سال ۲۰۰۶ به دلیل کاهش خالص صادرات و کاهش موجودی‌های انبار و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی با کندی همراه شد و بدین ترتیب رشد اقتصادی ایالات متحده در سال مزبور در حد ۳/۳ درصد باقی ماند. با این حال، مصرف خصوصی در این کشور به

دلیل رشد اشتغال و افزایش قیمت سهام همچنان قابل توجه بود. در سال ۲۰۰۶، بخش مسکن ایالات متحده پس از یک دهه رونق وارد دوره رکودی خود شد. ساختمان‌های مسکونی شروع شده در ایالات متحده در این سال با ۳۵ درصد کاهش نسبت به سال قبل روبرو شد، ضمن اینکه تعداد واحدهای مسکونی فروخته نشده نیز با افزایش همراه بود. بر این اساس، رشد اقتصادی ایالات متحده از ۴ درصد در نیمه اول سال ۲۰۰۶ به ۲ درصد در نیمه دوم سال کاهش یافت. در سال مورد گزارش، هرچند صادرات کانادا به ایالات متحده تا حدودی تحت‌الشعاع شرایط رکود اقتصادی ایالات متحده بود، لیکن افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف خصوصی در این کشور باعث شد تا رشد اقتصادی آن در سطح ۲/۷ درصد محقق شود. به همین ترتیب نیز رشد اقتصادی استرالیا به رغم تقویت دلار آن و در نتیجه کاهش صادرات این کشور، همچنان به دلیل شرایط تقاضای داخلی بالا، در سطح مطلوب باقی ماند.

رشد اقتصادی منطقه یورو برای اولین بار پس از سال ۲۰۰۲، در نیمه دوم سال ۲۰۰۶ از رشد اقتصادی ایالات متحده پیشی گرفت. در سال مورد گزارش، رشد اقتصادی منطقه یورو تحت تاثیر عواملی نظیر افزایش صادرات، بهبود تقاضای داخلی و تقویت سرمایه‌گذاری با جهشی قابل ملاحظه به ۲/۶ درصد رسید. این عوامل عمدتاً ناشی از بهبود وضعیت بازار کار و سوددهی بخش‌های مختلف اقتصادی، چشم‌انداز مثبت تقاضا و پشتیبانی مناسب بخش تامین مالی بود. رشد ۲/۶ درصدی، بالاترین رشد اقتصادی منطقه یورو از سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شود که نزدیک به دو برابر عملکرد منطقه در سال ۲۰۰۵ است. رشد مزبور باعث شد تا نرخ بیکاری در محدوده یورو به



پایین ترین سطح خود در سال های اخیر برسد. کشورهای اروپایی در حال گذار نیز در سال ۲۰۰۶ رشد اقتصادی ۶ درصد را تجربه کردند. تقاضای داخلی این کشورها به دنبال افزایش مصرف ناشی از بهبود وضعیت اشتغال و دستمزد واقعی با افزایش همراه بود. رشد اقتصادی ژاپن تا اواسط سال ۲۰۰۶ متأثر از کاهش پیش بینی نشده مصرف با کندی همراه بود، لیکن در پی رشد مصرف در سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۶، در نهایت رشد ۲/۲ درصد برای کل سال رقم خورد.

رشد اقتصادی کشورهای نوظهور آسیایی به رهبری چین و هند به دلیل شرایط مساعد مالی بین المللی و افزایش قیمت کالاها در سطح قابل ملاحظه ۸/۹ درصد بود. در حالی که رشد اقتصادی چین

در سال ۲۰۰۶ به ۱۰/۷ درصد بالغ شد، سایر کشورهای منطقه نیز شاهد رشدهای اقتصادی بالا به دلیل تقاضا برای صادرات این کشورها و شرایط مطلوب تقاضای داخلی بودند. در سال ۲۰۰۶، رشد جنوب آسیا با اندکی کاهش نسبت به سال قبل همچنان قابل ملاحظه بود. رشد اقتصادی هند در این سال متأثر از رشد بالای مصرف و سرمایه گذاری به ۹/۲ درصد رسید. به همین ترتیب، رشد دیگر کشورها در منطقه نیز بالاتر از نرخ روند تاریخی آنها بود. به عنوان مثال، اقتصادهای بنگلادش، سری لانکا و نپال، به دلیل بخش کشاورزی شکوفای آنها با رشد بالا همراه بودند. اقتصادهای تازه صنعتی آسیا (سنگاپور، تایوان، کره و هنگ کنگ) نیز به واسطه رشد تقاضا به ویژه در بخش کالاهای الکترونیک با رشد همراه بودند.

سرعت رشد اقتصادی آمریکای لاتین به دلیل افزایش قیمت کالاها در عرصه جهانی و تحت تاثیر تقاضای بالای داخلی و خارجی از ۴/۶ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۵/۵ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت که بهترین عملکرد پس از اواخر دهه ۱۹۷۰ محسوب می شود.

کشورهای غرب آسیا تحت تاثیر افزایش عواید نفتی از رشد قابل توجه تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۶ برخوردار بودند. در این میان کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه به دلیل بهره مندی از قیمت های بالای نفت، رشد اقتصادی قابل ملاحظه ای داشتند. در این سال کشورهای مذکور با اتکا به درآمدهای نفتی چشمگیر خود برنامه های اجتماعی و همچنین سرمایه گذاری در پروژه های نفتی و غیر نفتی را نسبت به سال قبل افزایش دادند.

در میان اقتصادهای در حال گذار، کشورهای مستقل مشترک المنافع (کشورهای ۱۲ گانه شوروی سابق) کماکان رشد اقتصادی بالا را در سال ۲۰۰۶ حفظ کردند. تداوم رشد اقتصادی مزبور عمدتاً ناشی از قیمت و تقاضای بالای خارجی برای نفت، گاز و فلزات بود. افزایش درآمدهای صادراتی مزبور در بسیاری از این کشورها، موجبات افزایش تقاضا در داخل را پدید آورد. در میان کشورهای در حال توسعه، رشد کشورهای آفریقایی همچون سال قبل بالا باقی ماند. رشد مزبور برای برخی از کشورها از سال ۲۰۰۳ بی سابقه بوده است. این رشد عمدتاً ناشی از صادرات کالاهای هیدروکربنی، تقاضای قابل توجه و در عین حال قیمت های بالای برخی کالاهای غیر نفتی، رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی و کمک های بلاعوض بین المللی بود. رشد اقتصادی در مادون صحرای آفریقا^(۱) هرچند اندکی در سال ۲۰۰۶ تعدیل شد اما همچنان پایدار باقی ماند. رشد مزبور عمدتاً به دلیل رشد سرمایه گذاری داخلی، افزایش بهره وری و تا حدودی رشد مصرف دولتی بود. افزایش درآمدهای نفتی و وجود برخی وام های حمایتی از سوی نهادهای بین المللی زمینه ساز رشد اقتصادی مزبور بود.

عملکرد مطلوب اقتصادی کشورهای جهان باعث شد تا شرایط بازار کار در بسیاری از کشورها با بهبود همراه باشد. در اغلب کشورهای توسعه یافته، در سال ۲۰۰۶ نرخ بیکاری کاهش یافت. اما در کشورهای در حال توسعه به رغم رشد اقتصادی بالا، رشد اشتغال به اندازه‌ای نبود که به کاهش نرخ بیکاری منجر شود. از جمله دلایل مهم عدم تناسب رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می‌توان به ماهیت سرمایه‌بر بودن بخش‌های تولیدکننده کالا، اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی، ریزش نیروی کار و نیز رشد سریع بهره‌وری و خروج نیروی کار از بخش کشاورزی اشاره کرد.

شاخص‌های عمده اقتصادی

(درصد)

تراز حساب جاری (۱)		نرخ بیکاری		نرخ تورم		رشد تولید ناخالص داخلی		
۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۵	
		۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۵/۴	۴/۹	جهان
-۱/۶	-۱/۴	۵/۵	۶/۰	۲/۳	۲/۳	۳/۱	۲/۵	اقتصادهای پیشرفته
-۶/۵	-۶/۴	۴/۶	۵/۱	۳/۲	۳/۴	۳/۳	۳/۲	ایالات متحده آمریکا
-۰/۳	۰/۱	۷/۷	۸/۶	۲/۲	۲/۲	۲/۶	۱/۴	کشورهای حوزه یورو
۵/۱	۴/۶	۸/۱	۹/۱	۱/۸	۱/۹	۲/۷	۰/۹	آلمان
-۲/۱	-۱/۶	۹/۰	۹/۷	۱/۹	۱/۹	۲/۰	۱/۲	فرانسه
-۲/۲	-۱/۶	۶/۸	۷/۷	۲/۲	۲/۲	۱/۹	۰/۱	ایتالیا
-۸/۸	-۷/۴	۸/۵	۹/۲	۳/۶	۳/۴	۳/۹	۳/۵	اسپانیا
۳/۹	۳/۶	۴/۱	۴/۴	۰/۲	-۰/۶	۲/۲	۱/۹	ژاپن
-۲/۹	-۲/۴	۵/۴	۴/۸	۲/۳	۲/۰	۲/۷	۱/۹	انگلستان
۱/۷	۲/۳	۶/۳	۶/۸	۲/۰	۲/۲	۲/۷	۲/۹	کانادا
۵/۴	۴/۵			۳/۷	۳/۵	۸/۹	۸/۷	کشورهای نوظهور آسیایی
۹/۱	۷/۲			۱/۵	۱/۸	۱۰/۷	۱۰/۴	چین
-۲/۲	-۰/۹			۶/۱	۹/۲	۹/۲	۹/۲	هند
۴/۸	۲/۱			۸/۲	۷/۳	۵/۴	۵/۲	حوزه آ - سه - آن (۲)
۲/۲	۱/۸			۹/۵	۸/۴	۵/۵	۵/۶	آفریقا
-۱/۳	-۱/۱			۱۱/۵	۱۰/۵	۵/۷	۶/۰	مادون صحرا
				۶/۰	۶/۰	۵/۵	۵/۵	اروپای مرکزی و شرقی
۷/۷	۸/۸			۹/۶	۱۲/۴	۷/۷	۶/۶	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع
۹/۸	۱۰/۹			۹/۷	۱۲/۷	۶/۷	۶/۴	روسیه
۱۸/۱	۱۸/۸			۷/۹	۷/۱	۵/۷	۵/۴	خاورمیانه
۶/۷	۷/۴			۱۴/۶	۱۲/۱	۵/۳	۴/۴	ایران
۱/۷	۱/۴			۵/۴	۶/۳	۵/۵	۴/۶	نیم کره غربی
۱/۳	۱/۶			۴/۲	۶/۹	۳/۷	۲/۹	برزیل
-۰/۲	-۰/۶			۳/۶	۴/۰	۴/۸	۲/۸	مکزیک

ماخذ: World Economic Outlook, IMF, April ۲۰۰۷ ۱- نسبت تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی ۲- شامل اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند است.

۲-۱- تراز تجاری

در سال ۲۰۰۶، تجارت جهانی انواع کالاها اعم از نفتی و غیر نفتی رشد چشمگیری داشت. بخشی از رشد مزبور ناشی از افزایش قیمت کالاها بود. در این سال عدم توازن حساب جاری در میان مناطق و کشورهای جهان گسترش یافت، به طوری که کسری ۹۰۰ میلیارد دلاری حساب جاری ایالات متحده آمریکا توسط مازاد حساب جاری ژاپن، آلمان و به ویژه مناطق در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار شامل صادرکنندگان اصلی نفت تسویه شد. در سال ۲۰۰۶، کسری خارجی ایالات متحده به ۶/۵ درصد تولید ناخالص ملی این کشور بالغ گردید. بر این اساس، هرچند صادرات این کشور رشد داشت، اما رشد سریع‌تر واردات^(۱) باعث شد تا وضعیت کسری تراز تجاری ایالات متحده در مقایسه با سال قبل با رشد همراه باشد.

در سال مورد بررسی، اگرچه کسری تراز تجاری کشورهای اروپایی در حال گذار بیشتر از سال گذشته بود، اما این کسری در بسیاری از موارد عمدتاً توسط سیستم بانکی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تامین مالی شد. در این میان تشدید نگرانی‌ها نسبت به افزایش کسری تراز تجاری در ترکیه و مجارستان زمینه‌ساز اعمال سیاست‌های انقباضی در این دو کشور شد.

۱- نیمی از رشد واردات آمریکا ناشی از افزایش واردات نفت خام این کشور بود.

در این سال مازاد تراز تجاری کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای شرق آسیا با افزایش همراه بود. با توجه به رشد ملایم قیمت کالاهای غیر نفتی در مقایسه با رشد قیمت نفت، کشورهای صادرکننده نفت از افزایش قیمت نفت منتفع شدند. نقطه مقابل این مازاد به صورت رشد کسری در کشورهای اروپای غربی، اروپای نوظهور و اقتصادهای نوظهور با رشد اقتصادی بالا (از جمله هند) بروز نمود. در میان کشورهای با درآمد پایین، رابطه مبادله تجاری آن دسته از کشورهایی که دارای خالص واردات نفت هستند با افزایش قیمت حامل‌های انرژی بدتر شد؛ به طوری که کشورهای مزبور ناچار شدند واردات غیر نفتی را کاهش داده و با هدف کاهش فشارهای تورمی حاصل از افزایش قیمت نفت بر مصرف‌کنندگان، از طریق سیاست‌های مالی به افزایش حجم بارانه‌ها متوسل شوند. به این ترتیب با افزایش قیمت نفت، هزینه‌های دستیابی به رشد اقتصادی مورد نظر در این کشورها با توجه به عدم تغییر ساختار وابستگی آنها به نفت همچنان در سطح بالایی باقی ماند. در این سال کسری حساب‌جاری کشورهای واردکننده نفت در سطح یک درصد از کل تولید ناخالص داخلی آنها قرار داشت. در سال مورد بررسی، مازاد حساب‌جاری کشورهای صادرکننده نفت کمتر از سال قبل افزایش داشت.

۳-۱- رابطه مبادله بازرگانی

در سال ۲۰۰۶، رابطه مبادله بازرگانی بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادرکننده کالا بهبود یافت. علاوه بر کشورهای صادرکننده نفت، کشورهایی که در زمینه صادرات مواد معدنی فعالیت داشتند نیز به دلیل رشد قیمت این نوع کالاها، شاهد بهبود وضعیت رابطه مبادله بازرگانی بودند. در مجموع، صادرکنندگان محصولات صنعتی در این سال شاهد بدتر شدن رابطه مبادله و صادرکنندگان محصولات کشاورزی شاهد اندکی بهبود در رابطه مبادله بودند.

عدم هم‌سویی رویکردهای ملی اقتصاد کلان با سیاست‌های کارآمد منطقه‌ای و جهانی باعث شد تا سیاست کشورهای دچار بحران نتواند از کارایی لازم برخوردار باشد. به عنوان مثال، سیاست‌های پولی و مالی محدودکننده در دو کشور آلمان و ژاپن که با هدف کنترل تقاضا در داخل اعمال شد، عملاً سطح تقاضای واردات و از جمله تقاضا برای واردات از ایالات متحده را تحت‌الشعاع قرار داد. این امر مانع از آن شد که سیاست‌های تقویت صادرات ایالات متحده برای کاهش کسری حساب‌جاری بتواند به طور کامل موفق و تاثیرگذار باشد.

رابطه مبادله بازرگانی مناطق مختلف جهان

۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹
۰/۹۸	۱/۰۰	۱/۰۲	۱/۰۳	۱/۰۲	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۰۵
۱/۰۲	۱/۰۲	۰/۹۹	۰/۹۹	۱/۰۲	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۱۳
۱/۰۱	۰/۹۹	۰/۹۸	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۶	۱/۰۰	۱/۰۰
∞	۱/۰۸	۱/۰۸	۱/۰۷	۱/۰۳	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۱
۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۷	۱/۰۰	۱/۰۳
۱/۰۰	۱/۰۲	۱/۰۴	۱/۰۱	۱/۰۱	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۶
۱/۵۶	۱/۴۰	۱/۱۷	۱/۰۴	۰/۹۹	۰/۹۱	۱/۰۰	۰/۷۴
۱/۶۵	۱/۴۵	۱/۱۵	۱/۰۴	۱/۰۱	۰/۸۶	۱/۰۰	۰/۶۶
۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۹۹	۱/۰۰	۰/۹۷	۱/۰۰	۱/۰۶

ماخذ: محاسبات با استفاده از آمار صادرات و واردات موجود در گزارش سال ۲۰۰۷ IFS به آدرس <http://IFS.apdi.net/IMF> و بر مبنای قیمت سال ۲۰۰۰ انجام شده است.

۴-۱- نرخ تورم

در سال ۲۰۰۶، نرخ تورم در بسیاری از کشورهای جهان با افزایش همراه بود. این افزایش که عمدتاً ناشی از دور اول افزایش قیمت نفت بود در عمل به شکل محدودی به صورت تورم پایه^(۱) بروز نمود. در پی رشد قیمت نفت و قبل از کاهش آن در ماه‌های پایانی سال، شاخص قیمت مصرف‌کننده در جهان در نیمه اول سال ۲۰۰۶ بیش از ۳ درصد افزایش داشت. در سال ۲۰۰۶، نرخ تورم ایالات متحده ۳/۲ درصد بود. نرخ تورم پایه این کشور نیز بالای ۲ درصد بود که بیشتر از مقداری است که معمولاً توسط فدرال رزرو به عنوان

منطقه آرام^(۱) تعریف می‌شود. این در شرایطی است که تحت تاثیر رشد قیمت نفت در این سال، نرخ تورم در ایالات متحده در فصول مختلف سال به طور چشمگیری دارای نوسان بود، به گونه‌ای که در سه ماهه دوم سال مذکور، نرخ تورم از ۴ درصد هم فراتر رفت. نرخ مزبور بالاترین نرخ از اوایل دهه ۱۹۹۰ بود و در پایان سال ۲۰۰۶ به حدود ۲ درصد رسید.

افزایش قیمت انرژی، نرخ تورم در منطقه یورو را در مقطعی از سال نسبت به دوره مشابه سال قبل به ۲/۵ درصد افزایش داد. لیکن نرخ مزبور در اواخر سال به کمتر از ۲ درصد رسید. اقتصادهای در حال گذار نیز چنین نوسانی را در نرخ تورم تجربه کردند. در نیمه دوم سال ۲۰۰۶، اثرات مربوط به کاهش قیمت انرژی تا حدودی با رشد فزاینده قیمت مواد خوراکی جبران شد. این موضوع در اقتصاد کشورهای در حال گذار، که مواد خوراکی بیش از ۳۰ درصد سهم سبد کالای خانوار را تشکیل می‌دهد (در مقایسه با سهم ۱۵ درصدی مواد خوراکی در کشورهای صنعتی توسعه یافته) بیشتر مشهود بود. قیمت مواد خوراکی در اقتصادهای در حال گذار تحت تاثیر کاهش در عرضه حدود ۷ درصد رشد داشت.

۱-۵- تحولات بازارهای جهانی انرژی و نوسانات قیمت کالاهای غیر نفتی

۱-۵-۱- قیمت و بازار حامل‌های اصلی انرژی

با وجود رشد بالای اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۶، در سال مذکور از سرعت رشد مصرف جهانی انرژی کاسته شد؛ به گونه‌ای که در این سال مصرف انرژی‌های اولیه در جهان با ۲/۴ درصد رشد در مقایسه با رشد ۲/۹ درصدی آن در سال قبل در سطح کمتری قرار داشت. در این سال سرعت رشد مصرف تمامی حامل‌های انرژی به استثنای برق هسته‌ای با کاهش همراه بود. در حالی که مصرف انرژی‌های اولیه در آمریکای شمالی با نیم درصد کاهش روبرو بود، مصرف انرژی‌های اولیه در منطقه آسیا-اقیانوسیه و چین به ترتیب ۴/۹ و ۸/۴ درصد رشد داشت.

رشد فزاینده قیمت حامل‌های انرژی در کاهش مصرف انرژی در کشورهای واردکننده آن و رشد زیاد مصرف انرژی در میان کشورهای صادرکننده آن موثر بود. مصرف جهانی نفت خام در سال ۲۰۰۶ حدوداً ۰/۷ درصد رشد داشت. رشد مزبور کمترین رشد مصرف از سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شود و حدود نصف متوسط ده ساله آن است. به این ترتیب در سال ۲۰۰۶، رشد مصرف نفت خام در جهان با کمتر از ۶۵۰ هزار بشکه افزایش به ۸۳/۷ میلیون بشکه در روز رسید. رشد مصرف نفت خام در چین نزدیک به متوسط ۱۰ ساله و حدود ۶/۷ درصد بود. مصرف کشورهای OECD^(۲) با کاهش ۴۰۰ هزار بشکه‌ای در روز مواجه شد. کاهش مزبور بیشترین کاهش از سال ۱۹۸۳ محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۶، کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک تولید خود را به ترتیب ۱۳۰ هزار و ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دادند. کاهش تولید اعضای OECD در سال ۲۰۰۶ معادل ۴۳۰ هزار بشکه در روز بود.

مصرف گاز طبیعی در جهان در سال ۲۰۰۶ با ۲/۵ درصد افزایش همراه بود. از این افزایش، ۴۰ درصد ناشی از رشد مصرف گاز در روسیه بود. در این سال اگرچه رشد ۲/۵ درصدی مصرف گاز طبیعی در مقایسه با رشد ۳/۱ درصدی در سال ۲۰۰۵ پایین‌تر بود، لیکن همچنان نزدیک به متوسط رشد مصرف ده ساله قرار داشت. در سال ۲۰۰۶، رشد مصرف گاز طبیعی در چین نیز بیش از ۲۰ درصد بود. در سال مذکور، کاهش مصرف گاز طبیعی در ایالات متحده و اتحادیه اروپا توسط رشد مصرف در چین و روسیه جبران شد. مصرف گاز طبیعی توسط اتحادیه اروپا تحت تاثیر افزایش قیمت گاز طبیعی و دمای بالای هوا با کاهش همراه بود. بیشترین کاهش مصرف در انگلیس و کشورهای اروپای غربی رخ داد.

۱- Comfort Zone

۲- Organization for Economic Cooperation and Development

تولید گاز طبیعی در سال ۲۰۰۶ با ۳ درصد افزایش همراه بود. رشد مزبور عمدتاً توسط کشور روسیه و از طریق تولیدکنندگان مستقل تامین شد. این در حالی است که انگلیس برای ششمین سال پی‌درپی با کاهش تولید گاز طبیعی مواجه بود، به نحوی که در سال مورد گزارش تولید گاز طبیعی در این کشور ۸/۶ درصد کاهش داشت. در سال ۲۰۰۶، تجارت بین‌المللی گاز طبیعی ۳/۱ درصد افزایش داشت که حدوداً نصف متوسط ده ساله آن است. در این سال انتقال گاز طبیعی به شکل LNG^(۱) توسط کشورهای آسیایی (به عنوان بزرگ‌ترین بازار منطقه‌ای جهان) ۱۰ درصد رشد داشت. این در حالی است که واردات LNG توسط کشورهای اروپایی ۲۰ درصد رشد و واردات توسط ایالات متحده اندکی کاهش یافت.

در این سال اگرچه تغییرات قیمتی با توجه به نوع حامل انرژی و منطقه جغرافیایی متفاوت بود، لیکن در مجموع قیمت حامل‌های انرژی همچنان از روند تاریخی خود بالاتر بود. در سال مذکور، افزایش قیمت نفت خام ادامه داشت. قیمت گاز طبیعی و زغال‌سنگ نیز در حالی که در منطقه آمریکای شمالی با کاهش همراه بود، در سایر نقاط جهان افزایش داشت. در سال مورد بررسی، قیمت نفت همچنان بالا و پر نوسان بود. در اوایل آگوست ۲۰۰۶، قیمت نفت خام به حدود ۷۸ دلار در هر بشکه رسید و در ماه‌های پایانی سال به ویژه قیمت‌های تک‌محموله‌ای (spot)، تحت تاثیر کاهش تقاضای کشورهای صنعتی، افزایش عرضه کشورهای غیر اوپک و کاهش تنش‌های سیاسی - جغرافیایی با آرامش نسبی و کاهش همراه بود، به گونه‌ای که قیمت مزبور تا آخر سال حدود ۲۰ دلار در هر بشکه کاهش یافت. با این حال و با وجود کاهش ۳۰ درصدی قیمت نفت در برخی از ماه‌های سال ۲۰۰۶ در مقایسه با نقطه اوج خود در آگوست ۲۰۰۶، متوسط قیمت نفت در سال مورد بررسی، ۲۰ درصد نسبت به متوسط سال ۲۰۰۵ بالاتر بود.

۱-۵-۲- قیمت کالاهای غیر نفتی

قیمت کالاهای غیر نفتی به ویژه فلزات از نیمه دوم سال ۲۰۰۶ با افزایش شدید همراه بود. این افزایش بسیاری از کشورهای در حال توسعه در حال گذار به ویژه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را منتفع ساخت.

قیمت برخی فلزات اساسی						(دلار - تن)
سال ۲۰۰۶	تبراهن (فوب دریای سیاه)	میلگرد (فوب دریای سیاه)	ورق گرم (فوب دریای سیاه)	آلومینیوم (LME)	مس (LME)	روی (LME)
زانویه	۴۳۵	۳۶۵	۳۶۸	۲۳۰۵	۴۵۶۲	۱۹۵۲
دسامبر	۶۴۵	۴۹۵	۵۰۵	۲۷۶۵	۶۸۲۴	۴۴۴۸
متوسط سال	۵۵۴/۲	۴۳۵/۶	۴۹۴/۳	۲۵۴۱/۰	۶۶۳۸/۶	۳۲۱۶/۸
انحراف معیار (زانویه - دسامبر)	۷۲/۱	۴۴/۵	۷۴/۴	۱۵۷/۱	۱۲۵۱/۲	۷۸۴/۴
نرخ رشد متوسط (زانویه/دسامبر) (درصد)	۳/۶	۲/۸	۲/۹	۱/۷	۳/۷	۷/۸

ماخذ: نگرشی بر عملکرد بورس فلزات تهران از ابتدای راه‌اندازی تا پایان شهریور ماه ۱۳۸۶، شرکت بورس کالای ایران

از جمله دلایل افزایش قیمت‌های جهانی فلزات اساسی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

وابستگی شدید فلزات و صنایع ذوب به قیمت انرژی که منجر به افزایش قیمت مواد اولیه شده است (کمترین وابستگی مربوط به فولاد به میزان ۳۵ درصد و بیشترین وابستگی متعلق به آلومینیوم با حدود ۶۰ درصد می‌باشد)، افزایش مصارف توسعه‌ای و عمرانی کشورهای نفت‌خیز به خصوص خاورمیانه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، مصرف و تقاضای بالای دو کشور چین و هند، و کاهش ارزش دلار و تبدیل دارایی‌های نقدی به فیزیکی صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی.

۱-۶- نرخ ارز

نوسانات نرخ‌های موثر واقعی ارز در سال ۲۰۰۶ کمتر از آن بود که بتواند عدم توازن در تراز پرداخت‌های خارجی را به نحو قابل توجهی کاهش دهد. در این سال نرخ موثر واقعی دلار ۴ درصد کاهش داشت. در مقابل، یورو حدود ۵ درصد تقویت شد. بر این اساس، در فاصله می ۲۰۰۶ تا اواخر آوریل ۲۰۰۷، دلار به میزان ۸/۴ درصد در مقابل یورو و ۹/۵ درصد در برابر پوند انگلیس کاهش ارزش داشت. نرخ موثر واقعی این ژاپن نیز به جهت پایین بودن نرخ بهره و خروج سرمایه حدود ۶/۵ درصد کاهش داشت. این در شرایطی است که مزاد حساب‌جاری ژاپن به حدود ۴ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت. در سال ۲۰۰۶، نرخ موثر واقعی یوان چین نیز به رغم افزایش قیمت اسمی در برابر دلار و رسیدن مزاد تراز تجاری این کشور به ۹/۱ درصد تولید ناخالص داخلی آن، حدود یک درصد کاهش ارزش داشت. در این سال نرخ ارز در بسیاری از کشورهای آسیایی دارای مزاد حساب‌جاری اندکی افزایش و در برخی کشورها نیز کمی کاهش ارزش نشان داد.

۱-۷- نرخ‌های بهره

در سال ۲۰۰۶، شرایط تامین مالی جهان در مقایسه با یک دهه قبل از ماهیت حمایتی بیشتری برخوردار بود. با این حال نرخ‌های واقعی بهره بلندمدت همچنان در سطح پایین قرار داشت. در سال مذکور، با توجه به اتخاذ سیاست افزایش نرخ بهره توسط بسیاری از بانک‌های مرکزی، وضعیت پولی انقباضی بر بازار حاکم بود. با این حال، نرخ‌های بهره در بازارهای سرمایه همچنان از ارقام روند تاریخی خود (چه واقعی و چه اسمی) پایین‌تر بود. در سال ۲۰۰۶، خالص استقراض از بانک‌های تجاری و استقراض‌های مبتنی بر اوراق قرضه با کاهش همراه بود. این در حالی است که هزینه‌های تامین مالی خارجی اقتصادهای در حال گذار همچنان پایین بود، به گونه‌ای که شاخص اوراق قرضه بازارهای در حال گذار که در سه ماهه اول سال ۲۰۰۶ به پایین‌ترین حد خود رسید، در ماه‌های می و ژوئن به دلیل آشفته‌گی بازارهای جهانی افزایش و سپس مجدداً کاهش یافت. با وجود استمرار سیاست‌های پولی انقباضی در ایالات متحده، نرخ‌های بهره رایج برای اقتصادهای در حال گذار همچنان در سطح پایین قرار داشت.

در سال ۲۰۰۶، فدرال رزرو آمریکا به منظور کاهش نگرانی‌های مربوط به افزایش نرخ تورم، نرخ بهره اوراق بهادار فدرال را اندکی بالا برد. در ژوئیه ۲۰۰۶، ژاپن نرخ بهره را به حد ۰/۵ درصد رساند و به این ترتیب این کشور در این سال در سیاست نرخ بهره صفر درصدی خود تجدید نظر کرد. در این سال بانک مرکزی منطقه اروپا و بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی به تدریج سیاست پولی انقباضی را در پیش گرفتند. به همین ترتیب، برخی از کشورهای در حال گذار از جمله چین، هند و ترکیه به سیاست‌های پولی انقباضی متوسل شدند. شایان ذکر است چین و ترکیه به واسطه نگرانی از رشدهای بالای اقتصادی و هند به جهت نگرانی از فشارهای تورمی به سیاست‌های انقباضی پولی روی آوردند. خالص جریان سرمایه خصوصی به داخل کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار در سال ۲۰۰۶ بالا اما کمتر از سال قبل بود.

در تهیه این فصل از منابع زیر استفاده شده است:

۱- *World Economic Outlook, IMF, April, ۲۰۰۷*

۲- *World Economic Situation and Prospects, ۲۰۰۷*

۳- *۲۰۰۶ in Review, BP Statistical Review of World Energy, June, ۲۰۰۷*

۴- *Central Bank and Financial Services Authority of Ireland, Annual Report, ۲۰۰۶*

۵- *Bank for International Settlements, ۷۷th Annual Report, June, ۲۰۰۷*

۶- نگرشی بر عملکرد بورس فلزات تهران از ابتدای راه‌اندازی تا پایان شهریور ماه ۱۳۸۶، شرکت بورس کالای ایران